

نیمرخ
و سه سال فعالیت

هفته‌نامه‌ی نیمرخ سه سال پیش در ۶ سنبله ۱۳۹۶ ایجاد و به تاریخ ۶ سنبله سال روان، سه‌ساله شد. نیمرخ پس از سه سال فعالیت امروزه در میان رسانه‌های کشور جایگاه منحصر به فرد و مخاطبان ویژه‌ی خود را پیدا کرده است. سه سال فعالیت دوامدار آنهم ویژه‌ی زنان در جامعه‌ی که زنان جایگاه فرودست داشتند و هنوز این نگاه ناپسند و ناروا ادامه دارد، کاریست دشوار، اما با اراده و عزم راسخ و همکاری متعهدانه‌ی گروه کاری نیمرخ، بانوان فعال و مردان دیگراندیش توانستیم موفقانه بدرخشیم. باور ما این است که پس از دو دهه تلاش برای آزادی و برابری در بخش‌های مختلف به ویژه برابری جنسیتی، زنان هنوز در وضعیت ناگواری به سر می‌برند. میزان تبعیض جنسیتی در ساختارهای حکومتی، سطح خانواده‌ها و روابط فردی هنوز بالاست. آمارهای خشونت در سراسر کشور بیداد می‌کند. ظلم و تعدی که علیه زنان صورت می‌گیرد جان‌کاه و دردآور است.

ساختارهای فرهنگی، بسترهای اجتماعی و رویه‌های سیاسی در جامعه‌ی ما هنوز چنان مردانه است که عرصه‌ی حضور معنادار زنان را با گذشت هر روز تنگ‌تر می‌سازد. دو دهه تلاش و تحول توانست زمینه‌های برابر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حضور اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر زنان را در جامعه نهادینه و ساختارمند سازند. انگار تحولی رخ نداده است و اگر تغییر آمده به همان اندازه گروه‌های مخالف زنان را فعال‌تر و محرک‌تر ساخته است. هنوز عرصه برای حضور و فعالیت زنان بسیار تنگ و خطرناک است. زنان در جامعه تا جای می‌توانند پشرفت کنند که با روحیه حاکم مردانه گام بردارند. هر زمان زنی با باور و رویای زنانه‌ی خود حضور پیدا کرد با هجوم از اتهام و تهدید تحجرگرایان قرن مواجه می‌شود. این یعنی زن بودن هنوز معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا نکرده است. زن بودن هنوز تعریف مردانه دارد و این نگاه حاکم در جامعه‌ی ما است که نیمرخ فعالیت‌هایش را پی می‌گیرد. آنچه جریان دارد اراده و عزم ما را مستحکم‌تر می‌سازد. با گذشت سه سال فعالیت، اراده‌ی ما برای تداوم کارهای بیشتر و جدی‌تر با برجاست. ما برای برابری حقوق انسانی و تساوی جنسیتی پا به میدان گذاشتیم و ادامه خواهیم داد. در این مسیر با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شدیم، می‌دانیم خم و پیچ‌های فراوانی نیز در راه خواهد بود؛ اما تا رسیدن به برابری جنسیتی و جامعه‌ی که در آن زنان جنس دوم شمرده نشود، زنان در جایگاه فرودست قرار نگیرند و جایگاه واقعی خود را پیدا کنند، ادامه خواهیم داد.

ما در نیمرخ توانستیم روایت‌های زنانه را بازتاب دهیم. زنان زیادی از این روزنه پیام‌های شان را بیرون دادند. پیام‌های که حکایت از درد، رنج، ظلم، تعدی و هم‌چنان از پیشرفت، پیروزی و آینده‌نگری داشت. این روزنه روشن‌تر از قبل ادامه دارد و ما همچنان بستری خواهیم بود تا روایت‌های زنان زیادی را بازتاب دهیم. زنان افغانستان کوله‌بار از روایت‌های گوناگون استند.



نیمرخ هفته
زهراکل پوپل، عضو اردوی ملی، زن شجاع افغانستان
و قهرمان نشان‌زنی در دوره‌ی آموزش نظامی در هند.

Monday • August 31, 2020 • Vol. 04 • No. 106

www.nimrokh.af

سال چهارم • شماره ۱۰۶ • دوشنبه ۱۰ سنبله ۱۳۹۹

خانواده‌های مسلمان در بحبوحه‌ی سنت و تجدد؛
نقش‌ها و مسؤولیت‌ها

بخش دوم

«محافظة» شوهر قرار می‌دهد. براساس این مُدلی عقد ازدواج که فقه‌های سنتی شکل داده‌اند، ازدواج عقد خاصی است که با ایجاب و قبول و به رضایت دو طرف منعقد گردیده و بالاتر آن استمتاع جنسی بدون هر نوع مانع-حلال می‌گردد. این الگوی روابط همسری در عقد ازدواج یک سلسله حقوق و واجبات را

است که بر اساس باورهای سنتی، طی قرون متمادی تسلط مرد بر زن را قانونی جلوه داده، مسؤولیت مرد را محافظت و تأمین نیازهای مالی زن، در مقابل مسؤولیت زن را فرمانبری و تمکین می‌پندارند. با درنظرداشت این موضوع، فقه‌های سنتی عقد یا پیمان ازدواج را «عقد تعویضی یا مبادله‌ای» می‌پندارند، که زن را تحت «قیمومیت» و

Musawah (۵) در رساله‌ی زیر نام
«Who Provides? Who Cares?
Changing Dynamics in Muslim
Families

به پاسخ پرسش‌های مطروحه‌ی بالا پرداخته است. اولین موضوع مطرح در مبحث بررسی تنظیم قواعد خانواده از دید فقه‌های کلاسیک، موضوع «قیمومیت» و «ولایت»



پژوهش

حقوق و واجبات زن و شوهر در فقه (۴) کلاسیک و قوانین مقاصر چرا از آغاز تا هم اکنون زنان در جوامع اسلامی از موقف فرودست برخوردار بوده، مردان صلاحیت «قیمومیت» و «ولایت» را در نظام خانواده دارا می‌باشند و در توزیع قدرت در خانواده، چرا متابعت و تمکین وجبیه زن و ریاست از حقوق مرد دانسته می‌شود؟

ضرورت و زمینه‌های
رشد صنعت گردشگری
در افغانستان

ما به عنوان نهاد مسؤول در تلاش هستیم تا روند بازسازی آبدات تاریخی را ادامه دهیم و ساختارهای حقوقی را کامل بسازیم. ما تلاش داریم تا برای سهم‌گیری سکتور خصوصی در انکشاف پارک‌های ملی و سرمایه‌گذاری روی صنعت گردشگری سهولت خلق کنیم. امیدواریم سکتور خصوصی افغانستان هم روی این صنعت سرمایه‌گذاری نموده در خودکفایی اقتصادی و رونق بازار در افغانستان سهم فعال بگیرند.

صفحه ۲

روایت زنانه از زندگی
به مناسبت کارزار روایت زنانه

کارزار روایت زنانه نیاز جامعه‌ی ما است. بهتر بود پیش از این شکل می‌گرفت که امروز به جنبش و فعالیت‌های گسترده تبدیل می‌شد. به هر صورت، خواست حقوق زنان فقط حقوق زنان نیست، خواست بشری و حقوق بشر است. خواست حقوق بشری انسان (زن، مرد، کودک و...) هر موقعی و در هر سطحی که مطرح شود، مهم است و باید مورد توجه قرار بگیرد.

کیستی زن افغانستانی

زن افغانستان اصولن هنوز کیستی و هویت مستقل خود را پیدا نکرده است. منظور من از کیستی اعتماد به نفس شخصی‌ای است که هر انسان در جامعه از خود دارد. همان بحث دویوار است که می‌گوید زن، زن به دنیا نیامده است، بلکه زن در دنیا زن شده است. این سخن به این معنا است که جامعه‌ی مردانه می‌گوید زن چگونه باید باشد.

ما مردان وقتی بخواهیم یک مرد را توهین کنیم می‌گوییم زن استی. زن گفتن یک مرد به این معنا است که تو اختیار نداری، اراده نداری، استقلال نداری، عقل نداری، غیرت نداری و... اگر به آن مرد بگویید دزد استی، شاید توهینی کمتر از این باشد که بگویید زن استی. بنابراین؛ نیاز است که زن باید کیستی و هویت خود را پیدا کند. کیستی و هویت، همان تفرد و



درست است که زنان در جامعه‌ی افغانستان آسیب‌پذیر استند، اما این آسیب‌پذیری نباید موجب این شود که زنان بگویند «آفت نرسد گوشه‌ی تنهایی را» و در کنج خانه بنشینند. بنابراین؛ فراخوان

فردیت و واقعیت خود را پیدا نکرده است. دست‌یافتن به هویت و فردیت نمی‌تواند از طرف مرد یا مردان به زن و زنان داده شود. فردیت و هویت را زنان باید بنابه فعالیت خود به دست بیاورند.



تحلیل

یعقوب یسنا

بخش نخست

تعدادی از زنان در گرما گرم گفت‌وگوهای صلح با طالبان نیاز دیده‌اند که فعالیت و فراخوان مجازی‌ای را به نام «کارزار روایت زنانه» به راه بیندازند. در شرایطی که قرار است طالبان دو باره وارد مناسبات رسمی قدرت و نظام شوند، هر چه بیشتر نیاز به چنین فراخوان و فعالیت‌هایی است. این فعالیت‌ها موجب می‌شود که صدای زنان افغانستان شنیده شود. زنان افغانستان تا هنوز زن (همسر)، خواهر، مادر، دختر و تنگ و ناموس ما مردان افغانستان بوده است و همیشه ما مردان از زنان برای این که خواهر، مادر، همسر، دختر و تنگ و ناموس ما است، نمایندگی کرده‌ایم.

موقعی که یک مرد در جامعه به یک زن بی‌احترامی می‌کند، مردان به آن مرد می‌گویند: «از خود خواهر و مادر و... نداری؟» این سخن به این معنا است که به این زن بی‌احترامی نکن زیرا این زن متعلق به یک مرد است. بی‌احترامی به این زن بی‌احترامی به یک مرد است. بنابراین در جامعه‌ی مردانه‌ی ما هنوز زن به‌عنوان زن



حسین احمدی

گفت‌وگویی هفته‌نامه نیم‌رخ با خانم مژگان مصطفوی، معین مالی اداری و گردشگری وزارت اطلاعات و فرهنگ

نیم‌رخ: خانم مصطفوی! تشکر از این‌که برای گفت‌وگو با نیم‌رخ وقت گذاشتید. نیم‌رخ ضمن دیگر برنامه‌هایش، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و دست‌آورد‌های اداره‌هایی را پوشش می‌دهد که زنان در رأس آن قرار دارند. هدف از این برنامه نشان دادن توانایی زنان برای ایجاد تغییر مثبت در امور مملکت است. چطور است در مورد نخستین روزهایی بگویند که شما حدود سه سال قبل منحنیت معین گردشگری در وزارت اطلاعات و فرهنگ مقرر شدید؛ وضعیت توریسم در افغانستان چگونه بود؟

مصطفوی: گردشگری یکی از پردرآمدترین صنعت‌های جهان است. در بعضی از کشورهای آسیایی نیز این صنعت تا حدی رشد کرده که کشورهای مثل: تایلند، سنگاپور و سریلانکا حدود نصف درآمد ناخالص ملی شان را عواید گردشگری تشکیل می‌دهد. تاریخ گردشگری در افغانستان به هشتاد سال می‌رسد. بسیاری از کشورهایی که خواسته‌اند گردشگری منحنیت یک منبع مهم درآمد ملی شان باشد، برای گردشگری وزارت ایجاد کرده‌اند. اما در افغانستان تا اکنون به عنوان بخشی از دیگر نهادهای دولتی قرار داشته است. در نخستین روزهایی که مسؤلیت معینیت گردشگری را به عهده گرفتیم، تلاش کردیم روی زیربناهای حقوقی و اسناد تقنینی گردشگری کار کنیم. اسناد و قوانین مربوط به گردشگری وجود نداشت و قانونی هم که مرعی‌الاجرا بود بسیار قدیمی بود. قانون گردشگری افغانستان مربوط به دوره حکومت سردارد داودخان بود. این قانون باید بروز می‌شد و مقرراتی مربوط به شبکه‌های آنلاین و انترنت نیز شامل می‌شد. برای نخستین بار پالیسی ملی گردشگری (توریسم) را تهیه کردیم. این پالیسی برای چهارده نهاد دولتی همکار در بخش گردشگری است که باید در تطبیق آن همکار باشند. این پالیسی مورد تأیید شورای عالی فرهنگ و هنر و شورای عالی کاهش فقر قرار گرفته است. براساس پیشنهاد ما، ریاست جمهوری ایجاد بود عالی گردشگری را تأیید نموده که از سوی وزیر اطلاعات و فرهنگ رهبری می‌شود. سیزده معین و ریسان مستقل از نهادهای مختلف دولتی تحت ریاست وزیر اطلاعات و فرهنگ و معین گردشگری عضو این بود هستند.

در این مدت ما طرزاعمال شرکت‌های سیاحتی-زراعتی را نیز آماده کردیم. از افغانستان سالانه حدود ۶۰ هزار زائر به کربلا-عراق می‌روند و پروسه نظارت بر عمل‌کرد این شرکت‌ها را آغاز کردیم که همه ساله هیأت نظارتی از فعالیت آنها نظارت می‌کند. سال پار حدود ۱۰۰ شرکت را که جواز شان تکمیل شده بود و یا به تعدادی به صورت غیرقانونی کار می‌کردند و یا زایران را در کشور عراق برده بدون ارایه خدمات رها می‌کردند، مسدود ساختیم. فعلاً ۱۳۰۰ شرکت سیاحتی زیارتی، صحنی و تفریحی در معینیت گردشگری ثبت است و فعالیت دارند. اکثریت این شرکت‌ها در بخش سیاحت زیارتی کار می‌کنند. گردشگری در افغانستان بیشتر گردشگری مذهبی است. سالانه حدود ۶۰ هزار زائر به حج و حدود ۶۰ هزار نفر دیگر به کربلا می‌روند.

نیم‌رخ: شما می‌گویید روی قوانین، مقررات، طرزاعمال‌ها و پروسه نظارت بر عمل‌کرد شرکت‌های خدمات گردشگری کار کردید، آیا در این مدت تغییری در میزان گردشگران و درآمد ناشی از این صنعت به وجود آمده‌است؟
مصطفوی: در سنجشی که سال گذشته ما از میزان عواید شرکت‌های سیاحتی، شرکت‌های هوایی، رستوران‌ها و مهمان‌خانه‌ها داشتیم، حدود یک درصد عواید ناخالص ملی افغانستان را درآمد توریستی تشکیل می‌دهد. امسال متأسفانه با شیوع ویروس کرونا صنعت گردشگری به شدت متأثر شده و حتی برخی از این‌ها عواید شان صفر بوده است. اما تاکنون آمار مشخصی از میزان کاهش گردشگران و کاهش عواید گردشگری جمع‌آوری نشده است. کرونا یک مشکل موقت است و وضعیت ما بهبود خواهد یافت. ما برای درازمدت در پی راهکارهایی هستیم که سیستمی ایجاد کنیم تا گردشگری در کشور و سکتورهای دخیل در این صنعت از هر لحاظ حمایت و تقویت شود.

نیم‌رخ: برنامه‌های تقویت توریسم در کشور دقیقن چه است؟

ضرورت و زمینه‌های رشد صنعت گردشگری در افغانستان

مناسبت روز جهانی گردشگری هم‌زمان در چندین ولایت جشنواره گردشگری برگزار شود. برای سال‌های آینده ضمن برگزاری جشنواره‌های گردشگری زمستانی در بامیان، بدخشان، پنجشیر و پروان؛ می‌خواهیم در این ولایت‌های تلی‌اسکی و تلی‌کابین نیز ساخته شود که قطعه برای جذب گردشگران تفریحی بسیار مؤثر خواهد بود.

یکی دیگر از برنامه‌های خوب ما آموزش گردشگری است. براساس تفاهم‌نامه‌ای که با معینیت تعلیمات تکنیکی و مسلکی داریم، انستیتوت گردشگری را ایجاد کردیم و محصلان این رشته دوره‌های شش ماهه و دو ساله را آموزش می‌بینند. در این انستیتوت دو رشته‌ی توریسم و هتل‌داری آموزش داده می‌شود که طریقه پذیرش محصل از طریق امتحان کانکور است. البته در ولایت بامیان از سال‌های گذشته و در ولایت بدخشان جدیدن دانشکده‌های گردشگری را به صورت آکادمیک داریم. یک موضوع دیگر هم این‌که ما براساس طرزاعمال جدید همان‌خانه‌ها آموزش هتل‌داری را برای پرسونل آن‌ها اجباری ساخته‌ایم و به زودی روند تطبیق

گردشگری در افغانستان نامنی است. تهدیدات امنیتی سبب شده است که گردشگران خارجی با وجود تمایل زیاد اما جرأت نتوانند که به افغانستان بیایند. فعلاً تا حدود ۳۰۰ تن گردشگر خارجی داریم که بیشتر به ولایت‌های بامیان و بدخشان می‌آیند. این وضعیت اصلن قابل قبول نیست. با توجه به اینکه کشور همسایه ما، تاجکستان به اندازه افغانستان نشانه‌های جذب گردشگری ندارد، اما سال پار ۵۰۰ میلیون دالر از صنعت گردشگری عاید داشت.

نیم‌رخ: فرهنگ پذیرایی و برخورد مردم با گردشگران داخلی و خارجی بر صنعت گردشگری چه تأثیری دارد؟ آیا می‌شود ضعف در فرهنگ گردشگری را مانع رشد این صنعت در کشور دانست؟

مصطفوی: من فکر می‌کنم نیاز به زمان داریم و ما نیز باید بیشتر کار کنیم تا هم‌وطنان ما گردشگری را به عنوان یک صنعت و منبع درآمد مالی برای شان تلقی کنند. در برنامه‌ی آگاهی‌دهی خود چنین برنامه‌هایی را داریم. به طور نمونه در قالب یک تیاتر ما به نمایش گذاشتیم که گردشگری چگونه یک پدیده‌ی مثبت است و با



این برنامه نیز آغاز خواهد شد. **نیم‌رخ:** آیا برنامه‌ای مشخصی برای اینکه زنان از صنعت گردشگری مستفید شوند هم دارید؟
مصطفوی: البته، ما برای اینکه زنان در تقویت صنعت گردشگری نقش داشته باشند تلاش کردیم تا طرح بازارچه توریستی زنان را ابتدا در کابل و سپس در ولایت‌ها آماده کنیم. این بازارچه مرکز خرید و فروش و نمایشگاه دائمی صنایع دستی و آثار هنری زنان خواهد بود. قصد ما این است که تمام کالای این بازار دست‌ساخته‌های زنان افغانستان باشد. در ضمن، ما سالانه ده‌ها نمایشگاه در مناسبت‌های مختلف در داخل و خارج از کشور برای خودکفایی زنان برگزار می‌کنیم. تاکنون نمایشگاه‌های ما مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه نمایشگاه‌های ما در هند، تهران-ایران، مشهد-ایران، ازبکستان و ... نتیجه‌ی خوبی داشت و هنر دست زنان روستایی افغانستان مورد توجه قرار گرفت.

نیم‌رخ: موانع و چالش‌های فراروی رشد صنعت گردشگری در افغانستان چه است و سالانه تعداد گردشگران خارجی به چه میزان است؟
مصطفوی: عمده‌ترین مانع رشد صنعت گردشگری در افغانستان نامنی است. تهدیدات امنیتی سبب شده است که گردشگران خارجی با وجود تمایل زیاد اما جرأت نتوانند که به افغانستان بیایند. فعلاً تا حدود ۳۰۰ تن گردشگر خارجی داریم که بیشتر به ولایت‌های بامیان و بدخشان می‌آیند. این وضعیت اصلن قابل قبول نیست. با توجه به اینکه کشور همسایه ما، تاجکستان به اندازه افغانستان نشانه‌های جذب گردشگری ندارد، اما سال پار ۵۰۰ میلیون دالر از صنعت گردشگری عاید داشت.

روند قانون‌مند و مدیریت شده به پیش برود. مثلن ما رستوران‌ت کابل-سرینا، میدان گلف قرغه، رستوران‌ت سیوژمی، هتل سپین‌غر در ننگرهار، هتل کارته پروان و چندین جای‌د دیگر است که برای جذب گردشگری ساخته شده و به بخش خصوصی سپرده شده است و درآمد خوبی برای دولت دارد. نمی‌خواهم مبالغه کنم، اما فکر می‌کنم اگر چالش‌های امنیتی برطرف گردد و صلح تأمین شود، گردشگری یکی از منابع مهم مالی افغانستان خواهد بود که افغانستان را برای خودکفاشدن از کمک‌های خارجی بی‌نیاز می‌سازد. البته این صنعت نیازمند سرمایه‌گذاری مشترک دولت و سکتور خصوصی است.

نیم‌رخ: در مورد روند بازسازی آیدات تاریخی بگویند؟ چون آیدات تاریخی و آثار باستانی افغانستان نقش مهمی در صنعت گردشگری در کشور دارد.

مصطفوی: سالانه بین ۳۰ تا ۴۰ آبد تاریخی از طریق وزارت اطلاعات و فرهنگ و نهادهای همکار ما بازسازی می‌شود. تعداد آبد‌های ما زیاد است و امکانات نگهداری آنها پس از بازسازی هنوز محدود است. با آن‌هم امسال برعلاوه پروژه‌های پلان شده، حکم مرمت و بازسازی ۲۷ پروژه آبداتی را از سوی رییس جمهور نیز گرفتیم که هرکدام منبع عایداتی خوبی برای دولت خواهد بود.

نیم‌رخ: و پرششی که مرتبط به حوزه کاری ما و مربوط به معینیت شما می‌شود؛ فضای اماکن تفریحی و گردشگری در مرکز و ولایت‌های کشور برای زنان چگونه است؟

مصطفوی: البته فضای مراکز تفریحی و گردشگری برای زنان متفاوت است. یعنی در بعضی جاها بسیار خوب است و در بعضی مناطق محدودیت‌ها وجود دارد. در شهر مزارشیرف که یکی از مراکز مهم جذب گردشگر است، ابتکارهایی صورت گرفته تا فضای قابل اعتماد و مصوون برای زنان ساخته شود. طی ده سالی که در وزارت امور زنان به عنوان رییس، معین و سرپرست وزارت کار کردم ما بعضی برنامه‌هایی داشتیم تا فضا‌های تفریحی مصوون برای زنان بسازیم. در این مدت ۲۰ پارک زنانه ساختیم. اما در هرات و بلخ ضمن پارک‌های ویژه‌ی زنان، پارک‌های فامیلی نیز ساخته شده که مشتریان زیادی دارند. اما بحث مصوونیت زنان در این فضا‌ها از فرهنگ اجتماعی هم تأثیرپذیر است. مثلن در ولایت بامیان زنان در هر عرصه‌ای کار می‌کنند و در کنار جاده‌ها فروشگاه‌های صنایع دستی و ... دارند. چون بامیان از لحاظ فرهنگ اجتماعی پذیرفته‌اند که زنان حق و توانایی سهم‌گیری در تمام عرصه‌ها را دارند هیچ مشکلی ندارند؛ نه از لحاظ اینکه یک خانم به عنوان گردشگر حضور داشته باشد و نه خانم‌هایی که به عنوان میزبان گردشگران هستند. اما در بعضی از ولایت‌ها فضا برای زنان محدود است و این نیاز به زمان و کار و تلاش دارد تا فرهنگ پذیرایی از گردشگران رایج شود.

نیم‌رخ: یکی از نگرانی‌هایی که اخیرن بروز کرد و در رسانه‌ها زیاد مطرح شد فعالیت گروه‌ها و افرادی بودند که خلاف قانون ممانعت ایجاد می‌کردند. مثلن رسانه‌ها گزارش دادند که در ولایت پنجشیر افرادی هستند که از ورود گردشگران زن بدون همراه و حمل ابزار موسیقی ممانعت می‌کنند. آیا در این مورد با اداره‌های محلی هم‌آهنگی دارید؟

ممکن است گاهی از این مشکل‌ها پیش بیاید، اما معینیت گردشگری وزارت اطلاعات و فرهنگ به عنوان مسوول این بخش فوری در تماس شدیم و این مشکل رفع شده است. فعالیت‌های غیرقانونی و یا حرکت‌هایی که به صنعت گردشگری یک ولایت آسیب بزند قابل قبول نیست و طبعن نهادهای مسوول به موضوع رسیدگی می‌کند. اما این مشکل بزرگی نبود و این حرکت‌ها مانع ورود گردشگران به ولایت زیبای پنجشیر نمی‌شود.

و در آخر اگر حرف و پیامی دارید، بفرمایید. پیام ما به هم‌وطنان عزیز این است که به صنعت گردشگری به عنوان یک پدیده مثبت نگریده روی آن سرمایه‌گذاری کنند؛ به ویژه سکتور خصوصی. ما به عنوان نهاد مسوول در تلاش هستیم تا روند بازسازی آیدات تاریخی را ادامه دهیم و ساختارهای حقوقی را کامل بسازیم. ما تلاش داریم تا برای سهم‌گیری سکتور خصوصی در انکشاف پارک‌های ملی و سرمایه‌گذاری روی صنعت گردشگری سهولت خلق کنیم. امیدواریم سکتور خصوصی افغانستان هم روی این صنعت سرمایه‌گذاری نموده در خودکفایی اقتصادی و رونق بازار در افغانستان سهم فعال بگیرند.

خانواده‌های مسلمان در بحبوحه‌ی سنت و...



برای جانبین عقد پدید می‌آورد. که در نتیجه، شوهر مسؤولیت پرداخت مهر و تأمین نیازهای مالی (نقسه) زن را عهده‌دار بوده و در ازای آن زن مکلف به «تمکین/ اطاعت» در برابر شوهر می‌باشد- به شمول اطاعت از هر نوع خواست و نیاز جنسی شوهر. تمکین؛ حق مرد و مکلفیت زن نداشته شده و در مقابل، تأمین نقسه؛ حق زن و وجیبه مرد تبیین می‌شود. زن پس از عقد ازدواج مستحق نقسه دانسته می‌شود. زن ناشزه تا زمانی که، لفظاً یا عملاً آمادگی خود را به تمکین اعلام نکند و زوج امکان وصول به او را نداشته‌باشد، مستحق نقسه نمی‌گردد. تمکین، آمادگی زن برای تمتعات جنسی شوهر و بیرون رفتن از منزل بدون اذن زوج می‌باشد و عدم رعایت هر یک از آن‌ها از طرف زن دلیل بر نشوز است.

بر علاوه، شوهر حق مطلق و یک جانبه مبنی بر انحلال عقد ازدواج را توسط جاری ساختن لفظ «طلاق» - به هر دلیلی، در هر زمان و مکانی و بدون در نظر داشت رضایت زن- دارا می‌باشد. در مقابل زن؛ فقط در صورت داشتن رضایت شوهر و اسناد کافی برای اثبات ادعای خویش و با مداخله محکمه می‌تواند عقد ازدواج را منحل سازد. هم‌چنان، برداشت سنتی از قیمومیت سبب شده که مردان دارای حق تعدد زوجات باشد و در میراث هم سهم کم‌تری نسبت به مردان برای آن‌ها در نظر گرفته شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که الگوی کلاسیک توزیع قدرت در خانواده را که فقه‌های کلاسیک بر اساس نظریه قیمومیت ارائه می‌نمایند، شوهر با نقش ریاست و زن با نقش مادونیت در خانواده، نتایج را ذیلاً به بار می‌آورد؛ شوهر در خانواده یگانه مالک منابع مالی و سرمایه مشترک زناشویی بوده و صلاحیت کنترل و نظارت زن را دارا بوده، حتی تا جایی که زن مجبور به اخذ اجازه از شوهر برای ملاقات با دوستان و اقارب، رفتن به سفر و اشتغال می‌باشد. برعلاوه، شوهر حق کنترل بدن زن را برای رفع نیازهای جنسی، بدون هرنوع ممانعت و سایر حقوق

مثل تنبیه زن ناشزه و تعدد زوجات و طلاق را به خود اختصاص می‌دهد. در مقابل، زن حق دریافت نقسه و مهر را دارا بوده و تنها می‌تواند مالک مهر و سرمایه شخصی خودش باشد، نه مالک سرمایه مشترک زناشویی؛ هم‌چنان این مُدل، منتج به دسترسی محدود زن به حق انحلال عقد ازدواج و حق آزادی عمل زن توسط شوهر می‌گردد. این جاست که مناسبات و قواعد در خانواده‌های جوامع اسلامی به شمول افغانستان بر اساس حقوق و وجایب نابرابر و نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی تنظیم شده و در قوانین معاصر بازتاب می‌یابد.

افغانستان همچنان، در مسایل مربوط به خانواده از فقه‌های کلاسیک فاصله نگرفته با نظریات مشابه موارد مربوط به خانواده را در قانون مدنی، قانون احوال شخصیه اهل تشیع و مسوده قانون خانواده تعریف و تنظیم نموده است. بنابر نبود امکان تحلیل سایر اسناد تقنینی یادشده‌ی فوق، تنها به بررسی قانون مدنی در خصوص ازدواج و حقوق طرفین عقد ازدواج می‌پردازیم. قانون مدنی افغانستان در ماده ۶۰ خود، ازدواج را چنین تعریف می‌نماید: «ازدواج عقدی

است که معاشرت بین زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود می‌آورد.» به این اساس به مجرد نکاح صحیح و نافذ سه نوع آثار حقوقی به وجود آمده که حقوق و وجایب زن در برابر شوهر، شوهر در برابر زن و یک سلسله حقوق مشترک را احتوا می‌کند. در ماده ۹۰ این قانون آمده است، در صورت نکاح صحیح و نافذ، تمام آثار آن از قبیل، نقسه زوج، حقوق میراث، ثبوت نسب و حرمت مصاحره بر زوجین مرتب می‌گردد. به این اساس با عقد نکاح صحیح، این قانون شوهر را ملزم به تأمین نقسه زن

می‌نماید، به شرطی که زن از رفتن به خانه شوهر امتناع نرزد. ماده ۱۱۷ در مورد چنین صراحت دارد: «با عقد نکاح صحیح و نافذ نقسه بر زوج لازم می‌گردد. اگر زوجه از رفتن به مسکن زوج بدون حق امتناع ورزد، نقسه وی بر زوج لازم نمی‌گردد.» و مطابق ماده ۱۲۲ این قانون، زمانی نقسه زن از شوهر ساقط می‌گردد که زن بدون اجازه شوهر از مسکن خارج شده و امور زوجیت از شوهر اطاعت ننماید.

طوری که دیده شد، قانون مدنی افغانستان طبق نظریه «قیمومیت» فقه‌های کلاسیک که در بالا به آن اشاره گردید، یکی از حقوق و امتیازات شوهر در برابر زن را تفویض صلاحیت سرپرستی و ریاست مرد در خانواده و اطاعت زن از اوامر شوهر می‌پندارد. به عبارتی، مطابق این قانون زن زمانی مستحق نقسه دانسته می‌شود که در برابر شوهر تمکین داشته، در امور زناشویی از وی سرپیچی نموده و از خانه‌های شوهر خارج نگردد. پوهنوال عبدالقادر عدالت‌خواه، عضو شورای عالی قضای ستره محکمه، در کتاب درسی حقوق فامیل با استناد به نظریه‌ی «قیمومیت» در روایت‌های متعدد و پرداختن به مسایل مختلف، بر موضوع برتری مرد بر زن اشاراتی داشته، چهار حق را به عنوان حق شوهر در برابر زن ذیلن برمی‌شمارد: ریاست خانواده، اطاعت زن از اوامر شوهر، سکونت زن در منزل انتخابی شوهر و توجه و مراقبت از خانه، می‌باشد.

وی با کاربرد واژه‌ی «باید» در تشریح سومین وجیبه زن در برابر شوهر که «سکونت در منزل انتخابی شوهر» است، اختیاری به زن در این خصوص قایل نشده چنین می‌نویسد: «او (زن) «باید» در منزلی که شوهرش انتخاب کرده است سکونت نماید. زیرا در صورت سکونت زوجه در منزل شوهر، عمدتاً اهداف و مقاصد زوجیت از قبیل معاشرت جنسی و تربیت اطفال به شکل بهتر برآورده می‌گردد. اگر شوهر چندین مراتب منزل مسکونی را تغییر دهد، «باید» زن از آن اطاعت نماید.»

ادامه دارد...

روایت زنانه از زندگی (به مناسبت کارزار روایت زنانه)

فردیت مستقل زن است.

زنان نیمی از پیکر جامعه، زنان تنگ و ناموس جامعه‌ی افغانستان و زنان خواهر، مادر و... مردان افغانستان نیستند، هر زن یک واقعیت انسانی است که باید واقعیت انسانی‌اش به عنوان یک فرد شناخته و درک شود. فعالیت زنان افغانستان باید با این چشم‌انداز و هدف صورت بگیرد که کیستی خود را تصرف کنند. فلن زنان افغانستان متاع مردان افغانستان استند و طبق منفعت مردان، حقوق بشری زنان معامله و مصادره می‌شود.

روایت جامعه‌ی افغانستان از زن

اصولن بنابه تعبیر مدرن، استفاده‌ی جامعه برای مردم افغانستان درست نیست. جامعه به افرادی گفته می‌توانیم که این افراد رأی، استقلال و هویت خود را داشته باشند و تنوع و تفاوت هویت‌ها در بین افراد قابل درک باشد. چنین افراد در یک مشارکت جمعی می‌توانند جامعه‌های مدرن را شکل بدهند. اما در افغانستان نه‌تنها تنوع و تفاوت‌های هویتی حتی زنان که محوری‌ترین واقعیت شان زندگی بشری استند، حضور و واقعیت شان نادیده گرفته می‌شود و سرکوب می‌شود. بنابراین چگونه می‌توان از مردم افغانستان به‌نام جامعه یاد کرد. من مردم افغانستان را گروه‌ها و گله‌های نری می‌دانم که در حال جنگ و درگیری غریزی با یک‌دیگر استند. جنگ و نزاع شان با یک‌دیگر بر سر زن، قلمرو، غیرت‌های مردانه و... (تنگ و ناموس) است. یعنی ما مردان افغانستان گله‌های نری دارای تنگ و ناموس استیم. درک ما از مناسبات زندگی اجتماعی و فرهنگی درک تنگ و ناموسی است. همه چه را تنگ و ناموس خود می‌دانیم. زنان در بین ما گله‌های نر، جایگاه تنگ و ناموسی دارد و محور مفهوم و ارزش تنگ و ناموس استند. بنابراین روایت جامعه‌ی مردانه‌ی افغانستان (گله‌های نر در حال نزاع) از زنان، روایت تنگ و ناموسی است. زنان روایتی فراتر از تنگ و ناموس در برداشت ما گله‌های نر در حال نزاع ندارد. فرقی نمی‌کند که ما مردان افغانستان خود را متدین، سکولار، دموکرات و... می‌گوییم.

روایت طالبان از زنان و برداشت و خوانش طالبان از اسلام سیاسی مشخص است. مردم افغانستان امارت طالبان را یک دوره تجربه کرده است. امارت طالبان یک حکومت مذهبی و مردسالار مطلق بود. زنان در امارت طالبان متاع جنسی مردان بود که باید نیاز جنسی مردان را برآورده می‌کردند و برای مردان فرزند می‌زاییدند، آنهم باید فرزند پسر زنان در امارت طالبان حق بیرون رفتن از خانه را بدون محرم نداشتند. زنان حق کار و شغل نداشتند. زنان حق آموزش نداشتند.

برداشت مهمی ما از زنان برداشت بدوی و غریزی است. به زنان به عنوان متاع جنسی و لقمه‌های جنسی نگاه می‌کنیم. غیرت، مردانگی و نرینگی ما در این است که چگونه بتوانیم زنان را به عنوان متاع جنسی خود در تصرف داشته باشیم.

روایت زنان در جامعه‌ی مردانه‌ی افغانستان (گله‌های نر در حال نزاع) روایت بدوی و غریزی است. اگر بخواهیم که واقعیت زنان درک شود و جامعه‌ی افغانستان به عنوان یک جامعه‌ی بشری مدرن شکل بگیرد، باید گله‌های نر در حال نزاع، جامعه‌پذیر شوند تا روایت بدوی و غریزی از زنان در ذهنیت ما مردان اصلاح شود.

روایت طالبان از زنان

آخرین سخنی که از سخنگو طالبان در باره‌ی زنان شنیدم این بود که «زنان طبق چارچوب شریعت و قانون اسلام می‌توانند زندگی کنند». این بحث پیش می‌آید که خوانش ما از اسلام چیست؟ امروز ما خوانش‌ها و تاویل‌های معرفتی و سیاسی متفاوتی از اسلام بخصوص درباره‌ی زنان داریم. خانواده‌ی آل سعود خوانش سیاسی خود را از اسلام درباره‌ی حضور زنان در جامعه دارد. اردوغان و حکومت ترکیه خوانش سیاسی خود را از اسلام در باره‌ی حضور زنان در جامعه دارد. جمهوری اسلامی ایران خوانش سیاسی خود را از اسلام درباره‌ی حضور زنان در جامعه دارد. داعش خوانش سیاسی خود را از اسلام درباره‌ی حضور زنان در جامعه دارد. طالبان خوانش سیاسی خود را از اسلام درباره‌ی حضور زنان در جامعه دارد.

بنابراین نمی‌توان مشخص کرد که

راهکارهای حمایتی به زنان...

افشاگری کند. همچنان او نیازمند دریافت درمان روان‌شناختی مناسب است. بهتر است برای ایجاد چنین فرصتی به او کمک کنیم.

سوم؛ شاید وقتش رسیده است تصور واقع‌بینانه‌تری نسبت به موقعیتی که در آن می‌تواند تجاوز اتفاق بیفتد پیدا کنیم. برخلاف تصور رایج، افراد متجاوز و استفاده‌گر لزومن افراد ناشناس و غریبه نیستند و آنها را نمی‌توان از روی ظاهر و لباس و موقعیت اجتماعی شان تشخیص داد. افراد متجاوز همیشه خشن و خلاف کار نیستند. آنها می‌توانند افرادی با ظاهری معمولی باشند. دوست اجتماعی، همکار، اعضای نزدیک خانواده و فامیل، دوست پسر یا همسر باشند.

سخن آخر؛ مهارت‌های همدلی با قربانی را به جای نکوهش و سرزنش او تمرین کنیم.

همان‌طور که گفته شد افراد قربانی معمولن توسط دیگران سرزنش می‌شوند و این مسأله، دلایل مختلفی دارد از جمله آگاه نبودن افراد نسبت به تبعات مخرب و آسیب رسان سرزنش کردن قربانی.

عبارت‌هایی مانند اینکه: اگر خودش احتیاط بیشتر می‌کرد، اگر لباس مناسبی داشت یا اگر مخالفت می‌کرد می‌توانست مانع از تجاوز شود برخی از افکار کلیشه‌ای و رایجی است که به ذهن افراد از جمله فرد قربانی می‌رسد در حالی که مطالعه سوابق تجاوز نشان می‌دهد، افرادی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، لزومن برای متجاوز دلبری نکرده‌اند یا لباس‌های تحریک‌کننده بر تن نداشته‌اند. بلکه فرد متجاوز در دسترس‌ترین فرد یا آسیب‌پذیرترین افراد را شناسایی می‌کند.

به عبارتی ملامت قربانی تجاوز می‌تواند همانا همراهی با متجاوز و کم‌رتنگ کردن نقش مجرمانه و غیرانسانی فردی که به قربانی آسیب زده است باشد.

دلبستگی، مسایل جنسی و رضایت جنسی در زندگی مشترک با مشکل روبه‌رو باشید. بهتر است با یک روان‌شناسی که در حوزه‌ی تروما کار می‌کند و در این زمینه آموزش دیده است صحبت کنید. تا به شیوه‌ای مناسب به ترومای حل نشده‌ی شما در محیطی امن پرداخته شود.

اگر در دوران بزرگسالی و یا به تازگی برای شما این اتفاق افتاده است:

صحت کردن شما با یک فرد امن به ویژه روان‌شناس و متخصص آموزش دیده که بتواند ارتباط حرفه‌ای امنی با او برقرار کنید مهم است. احتمال زیادی وجود دارد که احساس گناه، شرم، خشم به خود و خشم به فرد متجاوز، اجازه ندهد زندگی و روابط خود را به درستی مدیریت کنید. در واقع پنهان کردن این موضوع فقط باعث می‌شود وزن احساس گناه را در خود بیشتر کنید باری که همیشه همراه شما می‌ماند. آنچه ما به عنوان شتونده یا اطرافیان فرد قربانی باید بدانیم:

نخست؛ فرد آسیب دیده از تجاوز هر چقدر که پس از حادثه حمایت اندک شود بار فشار روانی بر او بیشتر می‌شود. زمانی که اطرافیان و افراد نزدیک فرد درک و حمایت مناسب از او داشته باشد شرایط مناسب‌تری برای پشت سر گذاشتن و بازسازی خویش، پس از واقعه فراهم می‌شود. پس به عنوان حامی کنار فرد آسیب دیده باشیم.

دوم؛ بله بهتر است فرد قربانی درباره‌ی واقعه و رنجی که می‌برد حرف بزند، اما ذکر چند نکته مهم است: بهتر است فردی را انتخاب کرد که راز نگه‌دار، با ثبات و قابل اعتماد و ایمن است. به تصمیم و مرزهای شخصی او قوین احترام بگذاریم. هیچ کس اجازه ندارد بدون خواست و تصمیمش زمانی که هنوز آمادگی این موضوع را ندارد درباره‌ی او

نیم‌رخ دیگر



دیدگاه

دکتر ابراهیم تولای؛ روزنامه‌نگار

بازخوانی گذشته

قطع جریان اشتباهات

با خوانش گذشته و تحلیل دقیق زمان حال می‌توان مسیر درست آینده را در پیش گرفت. مطالعه‌ی سرگذشت زنان در تاریخ درآورد است و اما می‌تواند آموزنده و سودمند باشد. این آموزندگی برای بخش‌های مختلف جامعه و بخصوص به زنان و مردانی که برای تحقق حقوق انسانی و قانونی زنان مبارزه می‌نمایند بیشتر و حیاتی‌تر است.

تأثیرات گذشته بر وضعیت کنونی زنان انکارناپذیر است، چنانچه نمی‌توان تأثیر وضعیت و جهت‌گیری‌های زمان حال را بر وضعیت آینده زنان نادیده گرفت، زیرا این یک قاعده کلی است که گذشته، در ساختن زمان حال تأثیر دارد. زمان حال سازنده‌ای آینده است و کسی که گذشته را خوب می‌داند، به خوبی می‌تواند زمان حال را تحلیل کند و کسی که زمان حال را خوب تحلیل کند، می‌تواند آینده را پیش‌بینی، مدیریت و حتا در آن دخالت نماید و حتا جریان وضعیت را آن طوری که خود می‌پسندد، تغییر دهد.

تغییر امروز، نتیجه مبارزات ۲۰ ساله زنان و مردان، پیرامون حقوق زن که یک رخنه و گسست تاریخی ملموس بین وضعیت حال و گذشته زنان ایجاد شده است، می‌باشد و سرنوشت زنان امروز شبه سرنوشت زنان دیروز نیست و اما با این وجود نمی‌توان اثرات محرومیت تاریخی زنان را بر وضعیت کنونی شان نادیده گرفت.

خطوط اساسی مسیر آینده‌ی زنان و حتا سرنوشت آنان امروز ساخته می‌شود. یعنی دقت و غفلت کسانی که امروز برای احقاق حقوق زنان مبارزه می‌نمایند، روی شکل دهی فردا تأثیرگذار خواهد بود. اگر وضعیت حقوقی و سیاسی زنان، امروز بگونه نادرست و کاریکاتوری شکل بگیرد، در آینده نیز چنین خواهد بود و اگر نسل آینده جسور و با شهامت باشند می‌توانند آن را تغییر بدهند و اما یک بخش بزرگ توان شان را مصرف این کار خواهد کرد.

بازخوانی گذشته‌ای زنان، تحلیل حال و تعیین خطوط اساسی آینده لازم و حیاتی می‌باشد. اگر ما تاریخی تاریخی و موجودیت تک ساره‌های راه‌های اشتباه را در حافظه داشته باشیم، بهتر می‌توانیم بیست سال اخیر را بازخوانی نماییم. وقتی بیست سال اخیر بازخوانی نادانانه شود، می‌توانیم گام‌های مثبت و منفی را که برداشته‌ایم بهتر محاسبه کنیم و این روند زمینه‌ای را مساعد می‌نماید تا ما منفی‌روی‌ها را به حد اقل و مثبت‌ها را به حد اکثر برسانیم.

شکی وجود ندارد که ما در طول بیست سال گذشته مسیری را پیمودیم که در طول صد سال طی نشده بود. به اسناد لازم الاجرای ملی و بین‌المللی دست یافتیم، نهادهای مدافع حقوق زن به‌وجود آوردیم و مدافعان حقوق زن را تربیت کردیم و اما بی‌تردید اشتباهات زیادی را نیز مرتکب شدیم.

تفکیک و تشخیص راه‌های اشتباه و درست برای مدافعان حقوق زن ممکن نیست مگر این‌که نگاهی به گذشته بیندازند، رفتارها و گفتارهای را که مرتکب شده‌اند باز اندیشی نمایند، در غیر آن راه‌پیمایی‌ها در مسیر نادرست ادامه خواهد یافت.

امروز سه تهدید و نگرانی جدی فرا راه زنان وجود دارد؛ اول اینکه ممکن است شکل و فورم نظام سیاسی تغییر کند و دست‌آوردهای بیست ساله یک‌شبه نابود شوند؛ زیرا دست‌آوردها وابسته به نظام سیاسی بوده و حالت حیاتی دارند و تا هنوز نهادینه نشده‌اند. تهدید دوم که کمتر از نگرانی اول نیست، قطع شدن کمک‌های خارجی می‌باشد. مدافعان حقوق زن اغلب از کمک‌های خارجی اسرار معاش کرده و می‌کنند، بیم آن وجود دارد که در صورت قطع شدن کمک‌ها روند مبارزه برای احقاق حقوق زنان به رکود مطلق فرو رود. زیرا آن بخش‌های که از طریق دولت مانند: ریاست امور زنان، کمیسیون حقوق بشر و نهادهای مستقل از دولت مانند: نهادهای مدنی مدافع حقوق زنان وابسته به کمک‌های خارجی هستند و در صورت قطع شدن حمایت‌های بیرونی و ناتوانی اقتصادی و بی‌انگیزگی دولت، فروپاشی تمام نهادهای مدافع حقوق زن اجتناب‌ناپذیر هستند. و تهدید سوم این است که هنوز حقوق زن به یک ارزش ملی تبدیل نشده و در بخش‌های مختلف کشور هنوز از حقوق زن خبری نیست. نه تنها آن بخش‌های که در تحت قلمرو مخالفان دولت قرار دارند بلکه در قلمرو خود حکومت نیز حقوق زنان به صورت گسترده نقض می‌شود و در سرنوشت زن هیچ‌گونه تغییری رونما نگردیده است.

موجودیت این تهدیدهای جدی غلی‌رغم بیست سال تلاش و مبارزه، بی‌انگیز این حقیقت است که ما چه در بازی‌های کلان سیاسی و چه هم در امر مبارزه با خشونت علیه زنان و احقاق حقوق آنان، مسیرهای نادرست و اشتباه را پیموده‌ایم.

راهکارهای حمایتی به زنان قربانی تجاوز

یکی از مهم‌ترین احساس‌های همراه با قربانیان تجاوز، احساس خشم، شرم، ترس و احساس گناه است. در واقع تجربه طیفی از هیجانات متناقضی که ممکن است پردازش موضوع و حل شدن تروما را دشوار می‌کند.

احساس شرم و گناه غالبین به دلیل تصور قربانی از این موضوع است که بار واقعه‌ی روی داده به دوش اوست. بنابراین؛ مسالویت رفتار متجاوز به عهده اوست. او به نوعی خود را مقصر این موضوع می‌داند. شاید به همین دلیل ترجیح افراد در این موقعیت این است که درباره‌ی این موضوع پنهان‌کاری کنند و حتا به این فکر می‌کنند آن را مانند رازی تا آخر عمر حفظ کنند. اما این سکوت، کمکی به آنها نمی‌کند و تا زمانی که در مورد آن صحبت نکنند احتمال کمی وجود دارد بار تروما را کم کنند. اضطراب، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) رایج‌ترین پیامدهای آسیب روانی در بین قربانیان تجاوز است.

اگر شما خود تجربه تجاوز را داشته‌اید چند پیشنهاد برای شما وجود دارد:

اگر این اتفاق در سال‌های دور یعنی در دوران کودکی یا نوجوانی روی داده است می‌تواند اثر پیچیده و عمیق‌تری بر شخصیت و پویایی روانی شما گذاشته باشد. ممکن است در حال حاضر در حوزه‌های روابط و صمیمیت،

بسیاری از واکنش‌های رایجی که افراد آسیب دیده از تجاوز جنسی نشان می‌دهند اگر چه بسیار دردناک، اما به نوعی طبیعی به حساب می‌آید. در واقع تأثیر خشونت جنسی فراتر از آسیب جسمی است، تجاوز

در حوزه‌ی روابط زن و مرد است. این موضوع علاوه بر اینکه سلامت و بهزیستی روان‌شناختی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پای قضاوت اخلاق، فرهنگ، عرف و مذهب را نیز به این موضوع باز می‌شود. از این رو افراد در زمانی



جنسی می‌تواند باعث احساس بیگانگی از خود و احساس ترس، شرم و تنهایی شود و به دنبال آن تجربه‌ی کابوس‌ها، یادآوری خودکار، ناخواسته و مکرر و مکرر صحنه‌ی آسیب که رنج زیادی را برای فرد تروما دیده به همراه می‌آورد.

که با موضوع تجاوز جنسی روبه‌رو می‌شوند در حقیقت با ترومایی روبه‌رو هستند که یک موضوع را نشانه نرفته است، بلکه هویت و یکپارچگی فرد زیر سوال برده می‌شود. نگاه روان‌شناسان به موضوع تجاوز و فرد تروما دیده چیست؟



تحلیل

کجه مرضیه وفایی

به تازگی کارزاری در شبکه‌های اجتماعی در میان زنان ایرانی به راه افتاده است که قربانیان تجاوز یا آزار جنسی دست به افشاکاری می‌زنند. آنها نام واقعی یا مستعار افرادی را که روزی به آنها تعرض داشته‌اند، اما به دلایلی در برابر آن سکوت کرده‌اند بیان می‌کنند و در معرض قضاوت اجتماعی افراد می‌گذارند. خواندن روایت‌های

این زنان و شنیدن صدای شان ما را ترغیب می‌کند بیشتر در این باره بیندیشم و درباره‌اش صحبت کنیم. این نوشتار سعی دارد درباره‌ی آنچه بر سر قربانی یک تجاوز می‌آید، اینکه چه اقدامات حمایتی می‌تواند به قربانی تجاوز کمک کند سخن خواهد گفت.

قربانی کیست؟ ما درباره‌ی فردی سخن می‌گوییم که حامل تصاویر، خاطرات، احساس‌های پنهانی است که از یادآوری آن حتا برای خودش شکنجه می‌شود، او تمایل زیادی به واپس‌رانی آن از بخش هشیار ذهنش دارد. چه موضوعی از این دردناک‌تر که واقعه‌ای به یاد بیاید که در لحظه‌هایی مالک بدن خود نبوده است و مرزهای وجودش توسط کسی دیگر شکسته شده است و با بدنش رفتاری شده است که او ناتوان بوده است از مقابله با آن. ناتوانی،

تحقیر و تجاوز...
تعریف رایجی که می‌توان از تجاوز جنسی داشت برقراری ارتباط جنسی بدون موافقت و خواست و آمادگی فرد است. مسایل جنسی و رابطه جنسی یکی از حساس‌ترین موضوعات در همه‌ی فرهنگ‌ها

زنان و موقعیت اجتماعی

امروزه در جهان مدرن اوضاع اجتماعی زنان چنان آشفته است که به دشواری می‌توان از حقوق اجتماعی آنان سخن گفت. شاید بسیاری از افراد آزادی‌های موجود در دنیا، رسیدن زنان به برخی از مقامات سیاسی، اداری و اجتماعی، حضور زنان در مراکز آموزشی و محیط‌های کاری را بسامان بودن حقوق اجتماعی آنان بیندارند، اما افراد نکره‌دان به خوبی می‌دانند که از دستیابی به چنین موقعیت‌های محدود تا رسیدن به حقوق سالم و متناسب انسانی، راهی ست سخت و طولانی که رسیدن به آن حقوق اگر محال نباشد، دستیابی به آن بسیار دشوار است. این شرایط را مقایسه کنیم با دنیای قدیم: (زن در این زمان [اواخر دوره عصر حجر] مقامی برتر و پس‌مهمتر از مرد داشته و وجوه امتیاز او بر مرد به قرار زیر محقق و مشخص شده است: نگهداری آتش، دارابودن خصایل مهرورزی و صفای باطن که او را مظهر صلح و آشتی می‌ساخته است، تخصص در ساختن ظروف گلی و ابزار آلات، سرپرستی و به عهده‌داشتن مسؤلیت امور خانواده، دست داشتن در کار زراعت، گله داری ...)

«سازمان اجتماعی و خانوادگی در میان قبایل استرالیایی بسیار پیچیده است، ولی در موقعی که تجمع عده‌ای از این دسته‌ها تشکیل قبیله‌ای را می‌دهد یک نوع تقسیم دو تیره‌ای در میان افراد به‌وجود می‌آید که یک تیره آن نسب از شجره مادری می‌برد. در قبایل ساکن قسمت مرکزی قاره‌ی استرالیا کودکان به تیره یا گروه پدر و مادر خود تعلق نمی‌یابند، بلکه وابسته به تیره مادر و مادر بزرگشان می‌شوند...»

بر اساس آمارهای سازمان بهداشت جهانی، امروزه در کشورهای پیشرفته نسبت به هر زمان دیگر شرایط زندگی برای زنان دشوارتر شده و اوضاع روز‌به‌روز بدتر می‌شود. بر اساس این آمارها، تمام زنان در طول زندگی خود به کرات در معرض

زنان در مسیر تاریخ

قسمت دهم

فرزندان رسمی خانواده شناخته می‌شدند. از آنجایی که کودکان هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبت می‌بردند طبعن هر فرد در میان عموم دسته‌های عضو قبیله خویشاوندانی داشت...
«زنان مقام اجتماعی خود را از والدین شان به‌ارث می‌بردند و در نتیجه بسیار اتفاق می‌افتاد که زنی از شوهر خود عالی‌مقام‌تر و محترم‌تر بود.»
زنان شاغل علاوه بر جان‌کندن و زجر کشیدن در محیط‌های کاری مردانه، بعد از سپری کردن ساعات کاری سخت، مجبورند



در منزل به فرزندان و شوهران خود برسند و حقوق دریافتی از کار را نیز یا دو دستی به مردان خود تقدیم کنند و یا با آن به مخارج خانه سروسامان دهند. به این طریق رویکرد زنان در جامعه «مدرن» فاجعه‌ی می‌شود که نهایت آن یا طلاق و فرار از خانه است

رسم عمومی بر اختیار یک زوجه بود ولی بسیاری از مردانی که وسع و توانایی داشتند تا چند نفر از بیوه زنان و دیگر زنان (زیاد مانده) را نیز به‌عنوان زوجات اضافی تحت سرپرستی و اختیار خود در می‌آوردند. عموم کودکان هم از طرف پدر و هم از جانب مادر



پژوهش

دکتر حسین رهیاب بلخی

و یا «تجرد» و زندگی «راهبان» در بیغوله‌ای که شهر نامیده می‌شود. به همین جهت زنان حق دارند از جهنمی که در جهان امروز «زندگی» نامیده شده است، گریزان باشند، زیرا با توجه به «زندگی» گذشته این یک «گرداب» است: «همه از قدرت بسیار زنان در قبایل ایروکوازی، شگفت‌زده و مبهوت هستند. زنان می‌توانستند زمین‌های کلان را که نتیجه اتحاد و ازدواج بوده است بفروشند و به میل خود اقدام به عزل و نصب مامورین امور مالی کنند...»

«در این اجتماعات مقام زن بسیار شامخ بود که هنوز به همین قرار باقی مانده و بخصوص زنان پیر در حل و عقد امور خانوادگی نفوذ و اختیار داشتند...»
توجه به وضعیت آزار دهنده زنان در دوره «مدرن» باید به آنها حق دهیم تا نسبت به گذشته افسوس خورده و آرزوی بازگشت به دوره «مادرسالی» را در ذهن پروراند. آیا زندگی در چنین جامعه‌ای رویایی نیست: «اجرای شعایر [درکرت] معمولاً بر عهده زنان کاهن و گاهی بر عهده کارگزاران حکومت است.» «بدین سان قدرت زنان در مصر باستان را می‌توان تبیین کرد. قدرت سیاسی ملکه‌های بزرگ مصر همراه با قدرت زنان اداره کننده معابد است که منابع محلی را در اختیار داشتند...»

«در جزایر پلو [در نواحی جنوبی آفریقا] هرگز رئیس قبیله به کار مهمی دست نمی‌زده است، مگر آنکه پیشتر، نظر شورای خاصی را که از زنان پیر تشکیل می‌شده جلب کند.» «سازمان اجتماعی مصر، نقش پررمانه و وظیفه مهمی را بر عهده زن گذارده و تعدد زوجات را منع کرده است.»

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنپیان
- سر دبیر و ویراستار: ملک مبارز
- گزارشگران: حسین احمدی و رویا طاهار
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اولیا عماد
- توزیع: شبکه زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیرنظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان

- خوانندگان عزیز؛ نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.
- جز رویکرد نیم‌رخ، مسؤلیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته‌نامه‌ی نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.



f NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

079889884